

به رنگ کویر

گزارش‌های محرمانه هفتگی کنسولگری انگلیس در کرمان

سال ۱۹۱۰ میلادی | (۱۲۹۹ - ۱۲۹۸ ش / ۱۳۳۹ - ۱۳۳۸ ق)

گردآوری، تصحیح و تحشیه: سید محمد علی گلاب‌زاده، مجید نیک‌پور

ترجمه: علی اصغر محمدی

به رنگ کویر



عنوان: به رنگ کویر: گزارش های محرمانه هفتگی کنسولگری انگلیس در کرمان سال ۱۹۲۰ میلادی | (۱۲۹۹-۱۳۹۸ ش/ ۱۳۳۶-۱۳۳۸ ق)
گردآوری، تصحیح و تحشیه: سید محمدعلی گلابزاده، مجید نیکپور.
ترجمه: علی اصغر مقصودی.

دستیاران پژوهش: افسانه کامکار، آرزو ملامحمدی ماهانی.
صفحه آرا: رومی نانهخی.

طراح جلد: مهدی جعفری.

خوشنویسی جلد: حسین شهدادی.

ناشر: مرکز کرمان شناسی با همکاری بنیاد ایران شناسی.

چاپ اول: ۱۴۰۰

شمارگان: ۵۰۰ نسخه

شابک بگروه: ۹۷۸-۶۲۲-۷۰۱۱-۱۸-۰۰

شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۷۰۱۱-۱۷-۰۳

قیمت جلد: ۲۵۰ هزار ریال

مشخصات نشر: مرکز کرمان شناسی، بنیاد ایران شناسی، ۱۴۰۰.

مشخصات ظاهری: ۳۰۲ ص: مصور.

وضعیت فهرست نویسی: فیبا

عنوان دیگر: گزارش های محرمانه کنسولگری انگلیس در کرمان سال ۱۹۲۰ میلادی (۱۲۹۹-۱۳۹۸ ش/ ۱۳۳۶-۱۳۳۸ ق).

موضوع: انگلستان - کنسولگری (کرمان) -- تاریخ -- اسناد و مدارک

موضوع: ایران -- روابط خارجی -- انگلستان -- اسناد و مدارک

موضوع: Iran - Foreign relations - Great Britain - Sources

موضوع: انگلستان -- روابط خارجی -- ایران -- اسناد و مدارک

موضوع: Great Britain - Foreign relations - Iran - Sources

موضوع: کرمان -- تاریخ -- قرن ۱۳ ق.

موضوع: Kerman (Iran) - History - 19th century

موضوع: ایران -- تاریخ -- قاجاریان، ۱۱۹۳-۱۳۴۴ ق. -- اسناد و مدارک

موضوع: Iran - History - Qajars, 1779-1925 - sources

شناسه افزوده: گلابزاده، سید محمدعلی، ۱۳۲۵ - مصحح

شناسه افزوده: نیکپور، مجید، ۱۳۴۶ - مصحح

شناسه افزوده: مقصودی، علی اصغر، ۱۳۴۵ - مترجم

رده بندی کنگره: DSR ۱۶۵۶

رده بندی دیویی: ۲۲۷/۵۵۰۴۲

شماره کتاب شناسی ملی: ۷۶۳۷۹۱۱

نشانی: کرمان، خیابان ابن سینا، مرکز کرمان شناسی

صندوق پستی: ۷۶۱۴۶۱۳۴۴

تلفن: ۳۲۲۳۵۰۸۱

www.ketab.ir

- ۱۱ . مقدمه
- ۲۳ . مجموعه اسناد سفارت انگلستان
- ۲۵ . یادداشت‌های هفتگی کنسولگری کرمان (Dairies)
- ۲۰۱ . توضیحات
- ۲۶۵ . فهرست منابع و مآخذ
- ۲۷۳ . نمایه‌ها

سید محمدعلی گلاب زاده، مجید نیک پور
۱۴۰۰ شمسی / ۲۰۲۱ میلادی

خدا را سپاسگزاریم که توفیقمان داد تا بخش‌های دیگری از اسناد کنسولگری انگلیس در کرمان را ساماندهی و به عنوان نشانه‌های استعماری دولت فخیمه! در اختیار علاقه‌مندان و دلبستگان تاریخ قرار دهیم، اسنادی که تصویر روشنی از اوضاع و احوال اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی کرمان را نشان می‌دهد، این وضعیت بی‌گمان برگرفته از موقعیت حکومت ناتوان و خودنگرِ اواخر قاجار بود که به جز منافع شخصی و اعتبار خانوادگی و پرداختن به نزدیکان خود، چیزی را طلب نمی‌کرد، به سخنی دیگر، آنچه برایشان معنا و مفهومی نداشت کیان ملی و شکوه ایران عزیز بود که به عنوان میراثی گرانسنگ در اختیار آن‌ها قرار داشت.

پیش از پرداختن به چگونگی این اسناد - که آئینه تمام‌نمای کرمان در روزگار قاجار به شمار می‌رود - بهتر است به وضعیت حکومت مرکزی نگاهی بیندازیم. بر اساس مستندات دیگری که در اختیار است، می‌توان باور داشت که نفوذ گسترده و شگرف و شگفت دولت انگلیس - و تا اندازه‌ای رقیب او دولت روسیه - بر این سرزمین و در اختیار گرفتن تمامی رشته‌های قدرت و تصمیم‌گیری در همه امور مملکت ناشی

از عدم کارائی، بی تدبیری و نداشتن توان لازم برای اداره کشور بوده است. لذا پیش از سرزنش پیر استعمار جهان، باید به سرزنش دولتمردانی پرداخت که کوس بی‌عرضگی و ناتوانی آن‌ها را بر سر بازار زدند. بهترین نمونه برای آگاهی از جزئیات حکومت قاجارها در سالی که این اسناد نوشته شده، چگونگی شرکت نمایندگان ایران در کنفرانس صلح پاریس است که نشان می‌دهد حتی یک کارشناس آگاه و دانشور در این مجموعه وجود نداشته تا بتواند از این موقعیت بایسته، بهره لازم را ببرد و درخواست شایسته‌ای که اجرا و انجام آن مقدور باشد را مطرح کند، زیرا این هیئت «با کمال جدیت تقریباً تمام ولایات بحر خزر روسیه را، جرئت کرده، طلب می‌نماید. هیئت در نقشه‌ای که به کنفرانس صلح تقدیم کرده است، از یک طرف بحر (آرال) و از طرف دیگر نهر (آمودریا) را حدود قرار داده و در آن نقشه این اراضی واسعه را حرف مالکانه ایران قرار می‌دهد. از این گذشته، به این‌ها اکتفا ننموده از یک طرف شهرهای خیوه، مرو و از طرف دیگر شهرهای کرازنووسک، الکساندرورسک و نصف ماورای قفقاز و باکو و ایروان را نیز طلب می‌نماید.»^۱

به فرض این که روزگاری ایران، صاحب همه این بخش‌ها بوده، اما یک کارشناس در حکومت قاجار (۱۳۳۷ ق - ۱۹۱۹ م) وجود نداشت که بگوید، در این مجمع، جای طرح موضوعاتی از این دست نیست و الا بهتر بود مرزهای زمان کوروش کبیر و هخامنشیان درخواست شود. این حضور غیر کارشناسانه آن قدر برای شرکت کنندگان شگفت بود که به داوری پرداخته و اعلام کردند که پیداست چنین حکومتی از اداره امور داخلی خود نیز ناتوان است «اگر گفته شود که در میان نقشه و تائقی که تا به امروز در پاریس به موقع انتشار وضع شده است، نقشه‌ای بی اساس‌تر و خیالی‌تر از این نقشه هیئت مرخصه ایران موجود نیست، نه است. نظر به معلوماتی که مخابر مخصوص مان از طهران می‌دهد چنان می‌فهمیم که الیوم، حکومت شاهانه ایران، از برای اداره خود، نه به درجه کافی اقتداری داشته و نه اسلحه و مهماتی و نه منابع کافیه ثروتی را مالک است، با وجود این مالیخولیای تصاحب قطعه‌های وسیع را در کله خود پرورش می‌دهد ... چنان معلوم می‌شود که این وثایق و مدعیات هیئت مرخصه ایران از بازار لطیفه پردازان ایران جمع شده‌اند»^۲.

۱- بیات، کاوه؛ آذری شهرزائی، رضا، آمال ایرانیان، تهران: تاریخ معاصر، ۱۳۹۲، ص ۳۲۱.

۲- همان، ص ۳۲۱ و ۳۲۲.

در چنین وضعیتی که از بالا تا پائین ترین سطوح حکومت، مشتی افراد نالایق و ناوارد تکیه زده‌اند و رشوه و ستم و بیداد، همه جا را فرا گرفته، در روزگاری که حتی برای حکومت کرمان و دیگر ولایات، نرخ تعیین شده بود و هر کس پول بیشتری می پرداخت حاکم این دیار می شد، آیا خیلی بعید و دور از انتظار است که جناب کنسول کشور فخمه انگلیس همه کاره این سرزمین شود و استاندار و فرماندار و مدیران و رؤسای شهر و ولایت، همه و همه در برابر حضرتشان! دست ادب و اطاعت بر سینه بگذارند! تا آنجا که حتی ایشان تصمیم بگیرند چه کسی بیاید، چه کسی برود و چه افرادی مسئولیت داشته باشند؟ «حاکم به اطلاع عالی جناب کنسول رسانده است که در تهران تلاش‌هایی در حال انجام است تا افرادی که در زمان حکومت او از پست‌های شان برکنار شده‌اند، به مناصبشان باز گردانده شوند، او از عالی جناب کنسول تقاضا کرده است تا از سفارت دولت فخمه بریتانیا بخواهد که با هر تغییری در حکومت کرمان مخالفت کند»^۱ آیا همین یک سند کافی نیست تا آنچه پیش از این آمد را تأیید کند؟

به جز این هر هفته می‌بایست مسئولان و مدیران و بزرگان ولایت به حضور عالی جناب کنسول می‌رسیدند تا آنچه را که ایشان دیکته می‌کنند، عیناً به انجام رسانند. «در این هفته، سردار نصرت، پنجمعلی خان نایب حاکم در راور، پارسا انجمن و میرزا کاظم که در سال ۱۹۱۶ به هند اعزام شده بود و اخیراً بازگشته است، به دیدار عالی جناب کنسول آمدند.»^۲ بی‌گمان حضراتی که به دیدار کنسول می‌رفتند، عاشق چشم و آبروی او نبودند و عالی جناب برای رفع دلتنگی آن‌ها را به حضور نمی‌پذیرفت، این دیدارها مجمعی برای تعیین تکلیف استان و ترسیم خطوط سیاسی بر اساس اندیشه دولت فخمه بود.

و اما «عیب می‌جمله بگفتی هنرش نیز بگو» زیرا جزئیاتی که در این یادداشت‌ها آمده، بخش راستین تاریخ ما به شمار می‌رود، اصلاً مگر عالی جناب کنسول جرئت می‌کرد گزارش نادرست برای دولت مرکزی بفرستد؟ او آمده بود تا هر چه حيله و تزویر و دروغ دارد، همه را برای حکومت این دیار و هر چه صداقت و درستی و واقعیت دارد را برای دولت خود به تصویر بکشد، بر این اساس آنچه در این یادداشت‌ها آمده، عین درستی است.

۱ - یادداشت شماره ۲: هفته منتهی به ۱۲ ژانویه ۱۹۲۰.

۲ - یادداشت شماره ۱: هفته منتهی به ۵ ژانویه ۱۹۲۰.

دقت نظری که در تهیه و تدوین این گزارش ها به کار رفته، قابل تقدیر است. وقتی گزارشگر در یادداشت منتهی به ۱۲ ژانویه ۱۹۲۰ به میزان بارندگی کرمان اشاره می‌کند، هیچ وقت این تصوّر برایش شکل نمی‌گرفت که: دولت انگلیس چه کار دارد که در فلان روز در گوشه دور افتاده‌ای از ایران به نام کرمان برف سنگین باریده، کما این که وقتی نرخ نان جو و گندم یا بهای کاه مرغوب و روغن مرغوب را در کرمان اعلام می‌کرد، چنان فکری برایش ایجاد نمی‌شد، برای او هر رویدادی مهم است حتی اگر امروز از اهمیت کمتری برخوردار باشد. او به خوبی می‌دانست که این اطلاعات در آینده مورد استفاده اهل پژوهش قرار می‌گیرد و اعتبار خود را به دست خواهد آورد، آن گونه که می‌بینیم این اندیشه تا چه اندازه درست بود.

این نکته نیز شایان ذکر است که همه ملاقات‌کنندگان کنسول و تمامی کسانی که کم و بیش با او در ارتباط بودند را نباید سر سپرده انگلیس به شمار آورد، زیرا می‌دانیم برخی آن‌ها از شخصیت و منش ایران‌دوستی و استقلال و آزادی برخوردار بودند از جمله حاج میرزا محمدرضا احمدی، امام جمعه وقت یا آقا سید علی مجتهد و ... اما برای رسیدن به مقصدهای متعالی و ارزشمند، کارهای جز این نداشتند که با مجموعه قدرت، تعامل کم رنگی داشته باشند، زیرا در غیر این صورت، چوب لای چرخ آن‌ها گذاشته می‌شد، اصلی که در همه کشورهای جهان سوم، کم و بیش و در همه زمان‌ها دیده می‌شد. وقتی حکیم طوس، شاهنامه را به نام سلطان محمود کرد، این طور نبود که به سلطان عشق بورزد، برعکس از او رنجش‌هایی نیز داشت، اما او به خوبی می‌دانست اگر چنین اتفاقی نیفتد، سرنوشته شاهنامه نامشخص خواهد بود، و حال آن که با این اقدام، سلطان محمود برای حفظ نام خود هم که شده، این اثر را گرامی می‌دارد و از آن پاسداری می‌کند، کما این که دیدیم این گونه شد و شاهنامه از گزندهای حکومتی و غیر حکومتی در امان ماند. این نکته مهم را نیز نباید از نظر دور داشت که دولت تلاش می‌کرده تا نرخ نیازمندی‌های روزانه و مایحتاج عمومی را ثابت نگهدارد، آن گونه که می‌بینیم در گذر این یادداشت‌های هفتگی تغییر چندانی صورت نگرفته. از این گزارش‌ها چنین بر می‌آید که ثبات یاد شده با برنامه‌ریزی مشترک دولت و کنسولگری بوده است، البته پیش از آن که هدف آن‌ها خدمت به مردم باشد، آرام نگه‌داشتن جامعه بوده، چیزی که منافع هر دو نیز در آن وجود داشت.